

بررسی ماهیت، زمینه‌ها و اهداف تروریسم مدرن در اندیشه سیاسی آیت الله خامنه‌ای

یوسف فتاحی^۱

چکیده

تروریسم یک نگرش سیاسی و مذهبی است که با پیچیده‌تر شدن جوامع از حیث شیوه‌ها، ابزارها و زمینه‌ها متنوع‌تر و پیچیده‌گشته است. یکی از پیچیدگی‌های آن ابهام مفهومی آن است که فهم مصادیق را دشوارتر کرده است. این مقاله دو سؤال اساسی را مطرح و بررسی کرده است: اهداف و زمینه‌های تولید و گسترش تروریسم چیستند؟ آیا تروریسم دارای ذات معین است یا حالت ایدئولوژیک دارد؟ این مقاله با استناد به آثار، بیانات و اندیشه‌های سیاسی مقام معظم رهبری و بعضی از آثار صاحب‌نظران در زمینه ٔ تروریسم به تبیین ماهیت، زمینه‌ها و اهداف آن پرداخته است. این مقاله تروریسم را در قالب جاهلیت مدرن به‌عنوان چارچوب نظری در اندیشه معظم له تحلیل می‌کند. یافته‌های تحقیق با توجه به آثار رهبری نشان می‌دهند: تروریسم، یک کنش و پدیده ضد اخلاقی- انسانی و کنش مجرمانه است. تروریسم در جامعه قدیم و جدید، از ماهیت جاهلی جامعه برمی‌خیزد که نگاه جاهلی، منشأ برتری‌جویی و عملکرد گزینشی است. تروریسم تابع زمینه‌ها و دلایل مختلف سیاسی، مذهبی، اجتماعی، قومی و تاریخی است. تروریسم با نگاه جاهلیت، یک پدیده نسبی‌گرایانه و با نگاه حق‌محورانه، یک کنش ذات‌گرایانه است. در نسبی‌گرایی، به‌جای حقایق، منافع ملاک هستند. از نگاه آیت‌الله خامنه‌ای، غرب در مفهوم - مصداق (تئوری- عمل) تروریسم، گزینشی عمل می‌کند که یک نگاه جاهلیتی است.

کلیدواژه‌ها: آیت‌الله خامنه‌ای، جاهلیت، تروریسم ذات‌گرا، تروریسم ایدئولوژیک و شاخصه‌های تروریسم

مقدمه

تروریسم^۱، یک مسئله پیچیده اجتماعی، مذهبی و سیاسی است که در طول تاریخ زندگی بشر سابقه دارد. به کارگیری محاسبه‌شده و منظم خشونت غیرقانونی یا تهدید به استفاده از خشونت غیرقانونی برای القاء ترس و ارباب برای اجبار دولت‌ها و جوامع برای نیل به اهداف سیاسی، مذهبی یا ایدئولوژیکی، یک امر معمول در تاریخ بوده است (Broum, 2004). از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، در جهان امروز تروریسم مدرن جای تروریسم سنتی و کلاسیک را گرفته است. تروریسم مدرن تابعی از تکنولوژی و فناوری‌های جوامع مدرن است. تروریسم نه به‌عنوان مرام و مکتب بلکه به‌عنوان یک استراتژی، روش یا تاکتیک مبارزه به حساب می‌آید. این مقاله ضمن بررسی تفاوت تروریسم کلاسیک از تروریسم مدرن، تروریسم، زمینه‌ها، عوامل و اهداف تروریسم مدرن را از منظر آیت‌الله خامنه‌ای، بررسی می‌کند. فرضیه مقاله این است که از دیدگاه معظم له تروریسم مدرن برخلاف تروریسم کلاسیک که یک کنش انتقام‌جویانه بود، یک جنگ نیابتی از جنگ متعارف با استفاده از شیوه‌ها و سلاح‌های غیرمتعارف با اهداف و زمینه‌های پیچیده سیاسی، تاریخی، مذهبی و قومی است.

۱. چارچوب بحث

۱.۱. مفهوم تروریسم

تروریسم مشتق از واژه ترور^۲ است. کلمه ترور از واژه ترر^۳ لاتین به معنی ترساندن^۴، یا عمل باعث وحشت^۵ اخذ شده است (Burgess, 2003). آن‌چه مسلم است، این که تروریسم یک اصطلاح تحقیرآمیز^۶ است، به کنش‌های کجروانه و فاقد شفقت انسانی به کار می‌رود. تروریسم بدتر از جنگ، شکنجه و قتل است. این عبارت فراتر از جنگ، قتل و شکنجه از معانی نفرت، منفی و موهن رنج می‌برد (Withe, 2011). سیمون (۱۹۹۴) بیش از دویست تعریف متمایز از تروریسم را شناسایی می‌کند. تعاریف مختلف تروریسم، عدم توافق روی تعریف تروریسم را نشان می‌دهد. آن‌چه مورد توافق است، این که به کارگیری خشونت برای ترساندن توده مردم به دلایل سیاسی، مذهبی و ایدئولوژیکی از عناصر اصلی آن است. والتر لاکوئر^۷، تروریسم را به کارگیری یا تهدید با به کارگیری خشونت، روش مبارزه، یا استراتژی برای به دست آوردن اهداف تعریف می‌کند. عبارت شرور شاید معادل مناسبی در ادبیات دینی برای تروریست باشد. شرور، شخصی است که قوای شیطنت یعنی قوه غضب و شهوت در او به صورت منفی رشد کرده و برای رسیدن به اهداف خود از زورگویی، زدن و کشتن و سایر تعدیات استفاده می‌کند

-
1. Terrorism
 2. Terror
 3. Terrere
 4. frighten
 5. panic
 6. A pejorative term
 7. Walter Laqueur

(خمینی، تقریرات فلسفه، ج ۳: ۳۵). از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، تروریسم، ایجاد وحشت، قتل و ناامنی برای یک عده انسان از هر نوع و جنس در هر جایی بدون دشمنی خاص و بدون جرم و گناهی است (۱۳۷۳/۰۴/۲۹). بنابراین، به کارگیری خشونت یا تهدید به به کارگیری خشونت، انجام قتل و ایجاد ناامنی علیه یک عده انسان بی‌گناه (زن، مرد، کوچک و بزرگ)، بدون دشمنی، بدون جرم و بدون تعیین زمان و مکان از عناصر اصلی در تعریف و شناخت ماهیت تروریسم است.

۲.۱. تروریسم مدرن

تروریسم سنتی معمولاً دلایل ساده و سیاسی آشکاری داشت. تروریسم جدید، دلایل متعدد و ناروشنی دارد. تخریب جامعه مدنی و حذف بسیاری از مردم از ویژگی‌های تروریسم جدید است. پارادایم تروریسم جدید تغییر یافته است. وجه غالب تروریسم قدیم، سکولار و غیر ایدئولوژیک بود. وجه غالب تروریسم جدید، مذهبی و ایدئولوژیک است. رادیکالیست‌های مذهبی هندویسم، بودیسم، یهودی، مسیحی و مسلمان و سایر مذاهب مادی و غیرمادی، امروز بدترین نوع تروریست‌ها هستند. سازمان‌های تروریستی مذهبی در حال افزایش هستند. قبل از دهه ۱۹۹۰ فقط ۳٪ سازمان‌های تروریستی مذهبی بودند، بعد از دهه ۱۹۹۰، بیش از ۴۳٪ سازمان‌های تروریستی مذهبی هستند. سازمان‌های تروریستی در ۱۵ سال اخیر ۴۰٪ افزایش یافته است (Gurr & Cole, 2000). گانور^۱ در سال ۲۰۰۲ بین دو نوع تروریسم کلاسیک و مدرن تمایز قائل می‌شود. ویژگی اصلی تروریسم کلاسیک خشونت مستقیم و تخریب و استفاده از سلاح‌های معمولی برای کشتن مردم بود. تروریسم مدرن از سلاح‌های شیمیایی، بیولوژیکی، رادیولوژیکی و هسته‌ای با رویکرد ایدئولوژیک بهره می‌برد. در این فاز استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی^۲ معمول گشت (Ganor, 2002). تروریست‌های سلفی- تکفیری مسلمان، سیخ‌های هندو، تروریسم مسیحی مبتنی بر تفسیرهای نژادپرستانه از کتاب مقدس، تروریست‌های یهودی- صهیونیستی همه جهان را فرا گرفته‌اند (Rapoport, 1993). جریان‌های افراطی به شیوهی اقوام وحشی تاریخ، توده مردم را می‌کشند، مردان را سر می‌برند و به نوامیس تجاوز می‌کنند. این اعمال به نام دین صورت می‌گیرد (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۷/۲۲). استفاده از هر نوع سلاحی با توجیه ایدئولوژیک به ترور، مشروعیت می‌بخشد. تروریسم در این فاز جنگ همه علیه همه و فرهنگ است. به تعبیر آیت‌الله خامنه‌ای، تروریسم، همه جایی گشته است (۱۳۷۳/۰۴/۲۹). تروریسم مدرن، فراملی است. فجایع امروز جهان اسلام در عراق، سوریه، لبنان، افغانستان، پاکستان و سایر کشورهای اسلامی و فشارهای بین‌المللی به ایران از نتایج تروریسم مدرن فراملی است.

۱.۳. مفهوم جاهلیت مدرن

جاهلیت، مبتنی بر غضب و شهوت، انکار حقایق و مقابله با حقوق انسان و راه سعادت انسان است. جاهلیت مدرن در مقابل جاهلیت سنتی است. جاهلیت مدرن با استفاده از دانش، فناوری‌های پیشرفته،

1. Ganor

2 weapons of mass destruction (wmds)

سلاح‌های هسته‌ای و انواع تسلیحات مخرب و منهدم‌کننده زندگی بشر (خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۰۴/۱۹) را به نحو بی‌سابقه‌ای دچار آسیب کرده است، درحالی‌که تروریسم سنتی درنهایت زندگی یک عده را به خطر می‌انداخت. تروریسم مدرن به‌عنوان یک کنش مبتنی بر غضب و تمایل جاهلی مدرن به نیابت از جنگ متعارف توجیه‌کننده وجود کارخانه‌های تولید انبوه انواع سلاح‌های کشتارجمعی است. وجود انواع سلاح‌های کشتارجمعی بدون بازار فروش، جنگ و ناامنی در مناطق مختلف، تقابل انسان‌ها و دولت‌ها باهم بی‌معنی خواهد بود. شهوات و تمایلات نفسانی و غضب و قساوت مخرب، دو عنصر اصلی ایجابی جاهلیت (خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۲/۲۶) و انکار حقایق و مقابله با حقوق انسان دو وجه منفی تروریسم مدرن هستند. جامعه‌ای که غضب و شهوت، بنیان آن را تشکیل دهد، زورگویی، زدن، کشتار و انواع تجاوزات در آن طبیعی خواهد بود (خمینی، تقریرات فلسفه، ج ۳: ۳۵). ایجاد رعب، وحشت، قتل، تخریب و ناامنی در سطوح مختلف به‌عنوان یک مسئله اجتماعی و سیاسی از نتایج شهوت و غضب سازمانی و دولتی هستند. شهوت و غضب دو مبنای مهم از چهار پایه اخلاق هستند (خمینی، ۱۳۹۲، ج ۳: ۳۵۴) که دو وجه مثبت و منفی دارند. وجه مثبت آن‌ها دو ویژگی مهم جامعه عقلانی و وجه منفی آن‌ها بنیان رذایل اخلاق را شکل می‌دهند. جنبه مشترک جامعه جاهلی سنتی و مدرن، وجه منفی غضب و شهوت است. شهوات مادی، اجتماعی، سیاسی، اخلاقی، نفسانی، جنسی و غضب که منشأ قساوت هستند.

جاهلیت در دوره‌های مختلف بر مبنای وجه منفی شهوت و غضب نه‌تنها به‌طور مداوم باز تولید می‌گردد، بلکه پیچیده‌تر و ظریف‌تر می‌شود. شهوت‌رانی بی‌مهار، قساوت و کشتار بی‌دومرز در جامعه جدید نه‌تنها کاهش نیافته بلکه گسترده‌تر و نرم‌تر گشته است. جاهلیت کنونی مجهز به سلاح علم و دانش شده و بسیار خطرناک‌تر از گذشته است. شرایط کنونی کشورهای اسلامی، ناامنی، برادرکشی و تسلط گروه‌های تروریستی در کشورهای منطقه، نمونه‌هایی از جاهلیت مدرن هستند که نتیجه طراحی گروه‌ها و دولت‌های زیاده‌خواه و در رأس آن‌ها دیکتاتورها و مستکبران است (خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۲/۲۶). از زاویه جاهلیت که بر مبنای غضب (قساوت) و شهوت (تمایل) صورت‌بندی می‌گردد، رذایل اخلاق، مهم‌ترین ابزارهای تروریستی خواهند بود. تهمت، افترا و دروغ برای کوبیدن دیگران و حذف و تخریب آن‌ها از مصادیق بارز اعمال تروریستی هستند. آخرین درجه حیوانیت، شهوت و غضب است (خمینی، ۱۳۹۲، ج ۳: ۱۱۵). حامیان اصلی گروه‌های تروریستی همچون داعش، برخی از دولت‌ها هستند که در تئوری مدعی مبارزه با تروریسم (خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۲/۲۶) ولی در عمل، دچار تناقض هستند. رویکرد دیکتاتوری و استکباری که نمود خود در حق به جانبی و زیاده‌خواهی نشان می‌دهند، مهم‌ترین مجوز تروریسم در سطوح فردی، سازمانی و دولتی هستند.

دو عنصر اصلی جامعه عقلانی، عدالت و امنیت است. سلامت و عدالت در سطوح مختلف از خواسته‌های اساسی بشر است (خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۴/۱۹). جنگ مستقیم و نیابتی (تروریسم) هر دو، ایجاد ناامنی علیه عدالت، صلح و سلامت روانی، اجتماعی، سیاسی و بین‌المللی هستند. بنابراین مقابله با جنگ و تروریسم همیشه یک دغدغه مهم برای جوامع بوده، حتی دولت‌های حامی تروریسم، خود را در صف مبارزه با تروریسم قرار می‌دهند. داشتن یک جامعه امن و عادلانه به‌صورت آشکار و پنهان، خواسته همه

انسان‌ها است، اما در عمل گرفتار و مصداق آیه شریفه قرآن کریم «لم تقولون ما لا تفعلون» (الصف: ۲) می‌گردند. این، همان جاهلیت مدرن است. ادعای مبارزه با تروریسم در عین حمایت از خطرناک‌ترین گروه‌های تروریستی (حمایت تسلیحاتی، مالی، سیاسی، تلاش در جهت ایجاد تروریسم و ترویج تروریست‌ها و فشار بر مخالفین تروریسم)، نشانه جاهلیت مدرن و تروریسم مدرن است.

امام خمینی (۱۳۹۲، ج ۳: ۳۵۹-۳۵۸) هر یک قوه غضب و شهوت را به سه نقطه افراط، اعتدال و تفریط تفکیک می‌کند. تنها نقطه اعتدال آنها تحت حاکمیت عقل و احکام شرع است. شجاعت، نقطه مرکزی و حد اعتدال غضب است. از این جهت دفاع یک امر مشروع است. طرف افراط قوه غضب «تهوّر» است، مثل سگ بی‌صاحبِ هار به هر چیزی حمله می‌کند و طرف تفریط آن «جبن» است که حاصل آن ذلت و بی‌غیرتی است. قوه شهوت، مبدأ امیال است. حد اعتدال آن «عفت» است. قوه شهوت در حد اعتدال از میل‌های نامشروع به حقوق و نوامیس دیگران و خیال‌های خام دوری می‌کند. طرف تفریط آن «خمود» و طرف افراط آن حرص، وقاحت، تذبذب، ریا، حسد و امثال آنها است. افراط و تفریط غضب و شهوت جاهلیت است. نقطه افراط غضب و شهوت منشأ خطرناک تروریسم هستند. جهل در بحث حاضر مقابل عقل است نه علم. با توجه به مباحث فوق، مهم‌ترین شاخص‌های جاهلیت را از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای می‌توان در چند عنصر جمع‌بندی کرد: (۱) غضب و خشونت، (۲) امیال نفسانی و زیاده‌خواهی و تفسیر دلبخواهی واقعیت‌ها، (۳) مبارزه با حقانیت، (۴) انکار حقانیت و وارونه نشان دادن حقایق. با توجه به این رویکرد این مقاله در پی پاسخ به دو سؤال اساسی است: اهداف و زمینه‌های تولید و گسترش تروریسم چه می‌توانند باشند؟ آیا تروریسم دارای ذات معین است یا حالت ایدئولوژیک دارد؟ این مقاله با استناد به آثار و بیانات رهبری و استشهداد از آنها و سایر آثار درباره تروریسم، پاسخ سؤالات تحقیق را بررسی می‌کند. فرض مقاله این است که تروریسم به‌عنوان یک پدیده پیچیده اجتماعی و سیاسی، یک کنش ضد عقلانی و از ویژگی جامعه جاهلی است. انواع تروریسم با رویکرد جاهلیت، کنش نسبی گرایانه و ایدئولوژیک و از منظر عقلانیت و حق محوری، کنش ذات‌گرا است.

۲. تروریسم دولتی و سازمانی

تروریسم ممکن است دولتی یا غیردولتی (فردی یا سازمانی) و داخلی یا بین‌المللی باشد. مسلم است، تروریسم بدون حمایت یک دولت، شکل نمی‌گیرد. تروریسم غیردولتی هم به نحوی منشأ دولتی دارد. کدام گروه تروریستی با تحریک یا حمایت یک دولت فعالیت نمی‌کند؟ از میان انواع تروریسم، تروریسم دولتی از همه پیچیده، غیرقابل پیش‌بینی، ظریف، دقیق، ماهرانه‌تر است. عملیات یک فرد یا یک سازمان، قابل پیش‌بینی و قابل کنترل هستند. تروریسم دولتی، دو گونه است:

۱-۲. **تروریسم دولتی داخلی**، دولت از طریق اعمال سیاست‌های رعب‌انگیز در میان شهروندان خود، سعی می‌کند آنها را وادار به اطاعت از خواسته‌های دولت کند. برخی از متفکران به این نوع

تروریسم، تروریسم سرخ یا تروریسم از بالا^۱ در مقابل تروریسم از پایین یا سفید^۲ که به تروریسم فردی و از سوی شهروندان علیه دولت اعمال می‌شود (صفا تاج، ۱۳۸۱: ۶۱-۶۲) می‌گویند. گاه، دولت‌ها با اتهام تروریسم به مخالفان سیاسی خود، سعی می‌کنند آنها را از عرصه قدرت حذف کنند آن‌چه که رابرت موگابه در زیمباوه انجام داد (Bar Association, 2003)

۲-۲. تروریسم بین‌المللی، دخالت یک دولت یا دولت‌هایی در امور داخلی یک کشور با ایجاد رعب، قتل و تخریب به منظور تحت نفوذ درآوردن، تضعیف و براندازی آن است (علی بابایی، ۱۳۶۹: ۱۷۶). از مصادیق تروریسم دولتی در دهه‌های اخیر، شکنجه، کشتار و ارباب ملت فلسطین از سوی دولت اسرائیل و حمایت دنیای استکباری از آن و وارونه جلوه دادن واقعیت از سوی برخی دولت‌ها است (خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۷/۲۷). ماهیت نژادپرستی رژیم صهیونیستی، اقتضا می‌کند همه ملل و دولت‌ها تحت نفوذ آن باشند، بنابراین، ایدئولوژی برتری نژادی، مجوز هرگونه عملیات تروریستی، شکنجه، تجاوز، خشونت، تخریب، حمله و کشتار جمعی را می‌دهد (صفا تاج، ۱۳۸۰: ۱۵۱). مناخم بگین یکی از سران معنوی یهود یک دستور کلی صادر می‌کند: «برادر من باش، و الا می‌کشم» (صفا تاج، ۱۳۹۱، ج ۲: ۵۸۵). ایدئولوژی نژاد پرستانه، صهیونیسم اقتضا دارد، این عبارت در درون قوم یهود مفهوم داشته باشد، خارج از قوم یهود هرگز هم‌سطح قوم یهود نیست که تا برادر محسوب شود. اقوام بیرون از قوم یهود، باید تابع باشند و الا دشمن هستند (بقره: ۱۲۰). تروریسم دولتی چه مستقیم (بکارگیری اعمال تروریستی یک دولت علیه دولت دیگر) و چه غیرمستقیم (حمایت مالی، سیاسی، اطلاعاتی معنوی یک دولت از تروریسم)، یک جنگ نیابتی از جنگ متعارف است. دولت آمریکا حامی تروریسم بین‌المللی و تروریسم دولتی رژیم صهیونیستی است (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۱۱/۲۸). تروریسم دولتی، اهدافی را دنبال می‌کند که جنگ متعارف با هزینه گزاف داخلی و بین‌المللی به دنبال آن است. به هر صورت قربانی اصلی تروریسم، غیر نظامیان و شهروندان هستند (خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰). بمب‌گذاری‌ها، قتل عام هزاران نفر از مردم عادی و بی‌گناه با سلاح‌های غیرمتعارف، بکارگیری انواع رفتار خشونت آمیز و آدم‌روبایی از اعمال تروریستی دولتی هستند (خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۱۰/۲۶) یک جنگ همه جانبه با ماهیت جدید است. آلات و ابزارهای تروریسم، ابزار و آلات غضب و شهوت افراطی هستند.

علاوه بر تروریسم دولتی، سازمان‌های تروریستی زیادی در جهان با اهداف و مبانی مختلف شکل گرفته‌اند. سازمان‌های تروریستی زیادی، از جمله: هاگانا، هاشومیر، موساد، ایرگون، پالماخ و اشترن در اسرائیل (صفا تاج، ۱۳۸۰: ۱۵۹)، بوکو حرام در نیجریه، داعش در سوریه، مجاهدین خلق در ایران و طالبان در افغانستان در دنیا شکل گرفته‌اند. این سازمان‌ها زیر بال دولت‌های بزرگ، رشد و تکثیر یافته‌اند. سازمان مجاهدین خلق در ایران علیرغم اختلاف ایدئولوژیک با بلوک غرب در عمل تحت حمایت آمریکا

1. Terrorism from above/ Red terrorism
2. Terrorism from below/ White Terrorism

و کشورهای غربی و شرقی قرار گرفته است (دفتر سیاسی سپاه، ۱۳۶۱: ۲۶-۲۷). برای یک تروریست چه سازمانی و چه دولتی، مهم نیست چه کسی ترور می‌شود. از قصاب گرفته تا رئیس جمهور... ممکن است مورد ترور قرار گیرند. چون هدف ترور ایجاد رعب به قصد یاس، انزوا، تصرف قدرت و براندازی حکومت است (دفتر سیاسی سپاه، ۱۳۶۱: ۲۳۳-۲۴۳). این نوع ترورها بیشتر به بهانه اثبات ناتوانی دولت از پشتیبانی و تأمین امنیت شهروندان و ایجاد شوک روانی، اجتماعی و سیاسی انجام می‌شوند.

۳. تروریسم داخلی و بین‌المللی

تروریسم ممکن است داخلی یا بین‌المللی باشد. تروریسم داخلی^۱ در صورتی است که عوامل و قربانیان ترورها در داخل یک کشور و نتایج آن محدود به همان کشور است (عبدالهادی، ۱۹۸۶: ۴۸). تروریسم بین‌المللی^۲، تروریسمی است که ماهیت بین‌المللی دارد. عوامل و قربانیان آن از ملیت‌های مختلف هستند. تروریست‌ها، تابع دولت محل وقوع عمل تروریستی نیستند. برنامه‌ریزی ترورها از محل وقوع آن جدا است. تیم ترور از حمایت دولت‌های ثالث برخوردار هستند. دولت‌های ثالث پس از عملیات به تروریست‌ها پناه می‌دهند (عبدالهادی، ۱۹۸۶: ۱۰). تروریسم دولتی و غیردولتی، داخلی و بین‌المللی، امروز نسبت به گذشته، از حیث روش، اهداف، زمینه‌ها و مبانی پیچیده شده است.

آیت الله خامنه‌ای بیشترین تأکید را روی تروریسم دولتی و بین‌المللی و تروریسم مدرن دارد. این امر به معنی غفلت یا انکار تروریسم فردی، سازمانی، داخلی و تروریسم سنتی نیست، بلکه یا به اعتبار این است که موارد اخیر در قبال موارد قبل اهمیت خود را از دست داده‌اند و یا این که موارد اخیر نیز به‌گونه‌ای از موارد قبل نشأت می‌گیرند.

۴. تروریسم ذات‌گرا و ایدئولوژیک

بعضی دولت‌ها منافع خود را «قوانین بین‌المللی» و سخنان غیرقانونی خود را به نام «جامعه‌ی جهانی»، دروغ‌های خود را راست و باطل خود را حق، ظلم خود را عدالت‌طلبی و در مقابل، هر سخن حقی را که افشاگر فریب آنها است، دروغ، و هر مطالبه‌ی برحق را یاغی‌گری می‌نامند (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۶/۹). این بیان نشان می‌دهد که آیت الله خامنه‌ای، دوآلیسم را درباره تروریسم و ایدئولوژیک بودن آن را قبول ندارد بلکه برای مفاهیم، از جمله تروریسم، ذات واحد قائل است. اندیشه بد و خوب بودن تروریسم از نتایج نگاه ایدئولوژیک به تروریسم است. تروریسم ذات‌گرایانه، باید همه جا تفسیر یکسان داشته باشد. تروریسم ایدئولوژیک، تفاسیر مختلف خواهد داشت. مطابق تمایلات بعضی، یک عمل معین در مکان و زمان خاص و از سوی عده‌ای یا دولت و سازمان خاص، ترور محسوب می‌شود و بنا به خواسته بعضی، همان عمل،

1. Domestic Terrorism
2. International Terrorism

ترور محسوب نمی‌شود. هر چند به زبان گوینده یا نویسنده جاری نشود، لیکن، تروریسم ایدئولوژیک خوب و بد دارد، تروریسم ذات‌گرایانه، حقیقت واحد است. تروریسم ذات‌گرایانه از سوی هر کسی، سازمانی و دولتی علیه هر کسی، سازمانی و دولتی محکوم و بد است. تروریسم ایدئولوژیک، بستگی دارد از سوی چه کسی و علیه چه کسی انجام شود. از منظر تروریسم ذات‌گرا، ترور به انسانی و غیرانسانی تقسیم نمی‌شود بلکه همیشه غیرانسانی است. تروریست به مظلوم - ظالم و ضعیف - قوی تقسیم نمی‌شود بلکه همیشه ظالمانه است. ترور به مذهبی و غیرمذهبی تقسیم نمی‌گردد، همیشه محکوم است. ترور به منفعت جویانه و مصلحت‌جویانه، تقسیم نمی‌شود. هیچ منفعتی و مصلحتی مجوز ترور نخواهد بود. انسان‌ها به شهروندان درجه‌ی یک و دو و سه تقسیم نمی‌شود. ترور انسان درجه دو و سه، یا اصلاً ترور به حساب نمی‌آید و یا ترور مقدس و خوب تلقی شود. جان انسان‌ها به ارزان و گران تقسیم نمی‌شود. جان انسان در خاورمیانه، آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین ارزان و در آمریکا و غرب اروپا گران باشد. امنیت به مهم و غیرمهم تقسیم نمی‌شود. امنیت آمریکا و اروپا مهم و امنیت بقیه‌ی جوامع بی‌اهمیت باشد. شکنجه خوب و بد ندارد. شکنجه و ترور به دست عده‌ای، مجاز و کاملاً قابل چشم‌پوشی و شکنجه به‌دست دیگران، ضد حقوق بشر به حساب آید.

یکی از آثار ایدئولوژیک دیدن تروریسم، وارونه نشان دادن حقایق است. کشورهایی که ترور را می‌بینند و تشخیص می‌دهند، اما حق را می‌پوشانند و انکار می‌کنند (خامنه‌ای، ۱۳۷۳ / ۴ / ۲۹). وارونه نشان دادن حقایق از خود تروریسم بدتر است (خامنه‌ای، ۱۳۸۰ / ۵ / ۱۰). تغییر جایگاه مظلوم با ظالم حکایت از تفسیر به رای کردن مسائل جهان دارد که از شاخص‌های جاهلیت است. شهوت و غضب، منشاء تفسیر دلخواهانه امور و واقعیت‌های عالم است. امروز، مفهوم ترور، تروریست و حامیان آنها تحول یافته‌اند. کشتار فردی و جمعی، وحشت انداختن به جان زنان و کودکان، به زندان کشاندن، شکنجه کردن مردم و تخریب زیر ساخت‌های مدنی یک جامعه نزد صاحبان قدرت از مصادیق ترور نیستند. مرکز مطالعات تروریستی آمریکا، گروه طالبان، گروه «بوکو حرام» در نیجریه و داعش را به ترتیب نخستین، دومین و سومین و حزب «مائویسم» هند، جنبش جوانان سومالی و سازمان القاعده در جزیره العرب را به ترتیب سازمان‌های جنایتکار جهان معرفی می‌کند (پیام آفتاب، ۱۳۹۲) در عین حال، دولت آمریکا، از همین گروه‌ها حمایت می‌کند (خامنه‌ای، ۱۳۹۳ / ۱۲ / ۲۱). برخورد پارادوکسیکال و تناقض‌نا نه تنها باعث از بین رفتن تروریسم نمی‌شود، بلکه موجب ترویج و گسترش آن می‌گردد و نشان‌دهنده ایدئولوژیک دیدن تروریسم است. هرگاه عملکرد یک گروه تروریستی، منافع یک دولت را تأمین کند، تروریست نیست، اگر عملکرد همان گروه منافع آن دولت را تهدید کند، تروریست محسوب می‌شود.

خوی استکباری باعث تغییر مفاهیم و واقعیت‌ها براساس خواسته، تمایل و اراده مستکبر می‌گردد. از نگاه استکبار ملاک عمل تروریستی، کشته شدن به وسیله ترور و ارباب نیست، بلکه، چه کسی می‌کشد و چه کسی کشته می‌شود، مهم است (خامنه‌ای، ۱۳۸۰ / ۱۲ / ۲۷). کشتار فلسطینی‌ها، حمله داعش به مردم بی‌گناه عراق و سوریه نه تنها عمل تروریستی محسوب نمی‌شوند، بلکه تحسین و تشویق هم می‌گردند.

جنبه افراط شهوت و غضب نه تنها خود فرد را در آتش دنیوی و اخروی می‌سوزاند بلکه همه محیط را در آتش خشم فرو می‌برد. غربی‌ها، تروریسم را به گونه‌ای معنا می‌کنند که قتل عام مردم صبرا و شتیلا، قتل عام گروه زیادی از مردم (زن، مرد، بچه، گرسنه و تشنه) قانای لبنان جلو دفتر نمایندگی سازمان ملل به وسیله هلیکوپترهای اسرائیلی، ربودن افراد لبنانی و فلسطینی و تصویب رسمی ترور فلسطینی‌ها توسط اسرائیل، هیچ کدام مصداق تروریسم تلقی نمی‌شوند. ولی دفاع مردم فلسطین از سرزمین و استنقاذ حق پامال شده خود ترور محسوب می‌شود (خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۴/۷). این مسئله نشان می‌دهد که ترور و تروریسم، قابل تفاسیر به سلیق مختلف است. هرگاه، یک عملی منافع اسرائیل، آمریکا و غرب را تهدید کند، آن عمل تروریستی است. هرگاه کشتن، شکنجه و تخریب زیرساخت‌های مدنی یک جامعه منافع آنها را تأمین کند، تروریستی نیست. غرب دچار دوآلیسم و تناقض در گفتار (تئوری) و عمل شده است. در مرحله حرف و تئوری، تروریست خوب و بد را رد می‌کند و همه تروریست‌ها را بد می‌داند، در عمل، تروریسم را به تروریسم خوب و بد تقسیم می‌کند. منفجر کردن هواپیمای مسافری ایران در آسمان خلیج فارس با صدها نفر مسافر، عمل تروریستی خوب است (خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۰۵/۰۸).

یکی از مفاهیمی که دچار نسبی‌گرایی شده، حمایت از تروریسم یا پناه دادن به تروریست‌ها است. بالتبع تحول مفهوم حمایت از تروریسم مبتنی بر تحول مفهوم تروریست و تروریسم است. اگر تروریست کسی باشد که به منافع ما یا دوستان و حامیان ما آسیب می‌زند (خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۰۳/۱۴) نه کسی که به اغراض شخصی، سیاسی و توسعه طلبی، جان بی‌گناهان را هدف قرار می‌دهد، در این صورت، تفسیر تروریسم و حمایت از آن تابع تمایلات جاهلی و گرفتار دوآلیسم شده است. همیشه عده‌ای، مبرا و عده‌ای مقصر هستند. در حالی که، تروریسم از نگاه حق‌گرایانه و عقلانی همیشه، علیه هر کسی در هر زمانی با هر بهانه‌ای محکوم و غیرانسانی است. ولی از نگاه جاهلی، مفهوم ترور، تروریسم، مبارزه با تروریسم و حمایت از تروریسم، معانی متفاوت پیدا می‌کنند (خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۵/۸). تروریسم چیزی است که قوانین کیفری فدرال آمریکا، وزارت دادگستری ایالات متحده و وزارت دفاع آمریکا تعریف می‌کنند (باقری، ۱۳۸۸: ۴۰). رفتار دولت‌ها در قبال تروریسم و حمایت از آن از منظر ایدئولوژیک و ذات‌گرایانه، قابل تحلیل است «در همه‌ی نقاط این منطقه که انسان نگاه می‌کند، این سرانگشت خبیث دشمنان را در تولید حادثه‌ی تروریسم مشاهده می‌کند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۲/۲۶) در حالی که هیچ دولتی خود را تروریست یا حامی آن نمی‌داند بلکه در گفتار ائتلاف علیه تروریسم شکل می‌گیرد. آنچه مسلم است، از دیدگاه آیت الله خامنه‌ای، تروریسم، ذات‌گرایانه و از یک واقعیت و حقیقت واحد برخوردار است، تابع امیال و خواسته‌های نفسانی نیست و نگاه دوآلیستی و ایدئولوژیک به تروریسم، مانع رسیدن به راه حل مناسب برای رفع خطر تروریسم است. تروریسم عوامل و زمینه‌های مختلفی می‌تواند داشته باشد.

۵. زمینه‌های تروریسم

زمینه‌های روان شناختی، انتقام‌جویی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، قومی، قبیله‌ای و جغرافیایی به‌طور کلی منافع سازمانی، گروهی و ملی در سطح ملی و بین‌المللی ممکن است منجر به شکل‌گیری تروریسم گردند و نیز ممکن است زمینه‌های داخلی و خارجی یا هم‌سویی جریان‌های داخلی و خارجی داشته باشد. با توجه به آثار و بیانات آیت الله خامنه‌ای نمونه‌های زیر را می‌توان مهمترین زمینه‌های تروریسم مدرن بر شمرد:

۵.۱. جریان بیداری اسلامی

علت اصلی بسیاری از عمل‌ها و عکس‌العمل‌ها علیه مسلمانان و کشورهای اسلامی، گسترش بیداری اسلامی است. در دو دهه‌ی اخیر در شرق و غرب جهان اسلام و کشورهای غیراسلامی، نهضت عمیق و گسترده‌ای، شروع شده است. نسل جوان و تحصیل‌کرده، به‌عکس توقع مستعمران دیروز و مستکبران امروز، نه تنها از اسلام روی برنگردانده بلکه روی آوری، روشن‌بینانه‌تر شده است (خامنه‌ای، ۱۳۷۲/۰۳/۰۶). گفتمان صریح جمهوری اسلامی ایران در برابر جبهه استکباری و تأکید بر پایداری و تداوم جبهه مقاومت، تأثیر فراوانی بر بیداری ملت‌های منطقه گذاشته است (خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۰۱/۰۴). از این روی، قدرت‌های استکباری، دشمنی خود را با دنیای اسلام علنی کرده‌اند. جریان بیداری اسلامی، تضاد منافع جهان غرب و کشورهای در حال توسعه از جمله کشورهای اسلامی را آشکار ساخته است (خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰). شکل‌گیری تروریسم در منطقه خاورمیانه، یک جریان ضدبیداری اسلامی است. تحریک تعصبات مذهبی و ایدئولوژیکی (Barnett, & Reynolds, 2009) عکس‌العملی در مقابل نهضت بیداری اسلامی و معنوی در منطقه و جهان است. بیداری اسلامی نقش دوگانه بازی کرده است. از یک سو جبهه مقاومت و پایداری را ایجاد کرده و از سوی دیگر اسلام‌گرایی یا مذهب‌گرایی متعصبانه و رادیکالیسم مذهبی را در مقابل جبهه مقاومت شکل داده است. ریشه اصلی جریان‌های تروریستی را در جهان اسلام در مقابل اسلام میانه روانه در رادیکالیسم مذهبی متعصبانه باید جستجو کرد. این جریان افراط‌گرایی مذهبی مختص جهان اسلام نیست، بلکه عملیات تروریستی مذهبی در جهان مسیحیت هم وجود دارد. تعصبات مذهبی، تندروی‌های مذهبی ممکن است از بد فهمی، خشک مغزی یا برخوردهای تبعیض آمیز سایر گروه‌های مذهبی در قالب اکثریت یا اقلیت و یا تحریک برخی دولت‌ها از طریق تطمیع ناشی شود. جریان بیداری اسلامی به‌عنوان یک جریان مذهبی، آثار و پیامدهای مختلف قومی، سیاسی و نژادی پیدا کرده و منافع بسیاری را در منطقه به خطر انداخته است. هر یک از آنها به صورت مستقل یا متداخل در تشدید رخدادهای تروریستی تأثیرگذار است.

نگاهی به وضعیت کشورهای غرب آسیا از پاکستان و افغانستان تا سوریه، عراق، فلسطین و کشورهای خلیج فارس و کشورهای شمال آفریقا از لیبی، مصر و تونس تا سودان و برخی کشورهای دیگر، نشان می‌دهد که جنگ‌های داخلی، عصبیت‌های کور دینی و مذهبی، رواج تروریسم قساوت‌آمیز، ظهور گروه‌ها و جریان‌های افراط‌گر که به شیوه‌ی اقوام وحشی تاریخ و زیر پرچم دین، در حال افزایش و بغرنج شدن

هستند. در چنین اوضاعی، انتظار ترمیم خلاءهای مادی و معنوی کشورهای مسلمان و حرکت به سمت امنیت، رفاه و پیشرفت علمی و اقتدار بین‌المللی بی‌فایده است. این اوضاع محنت‌بار، می‌تواند بیداری اسلامی را عقیم و آمادگی‌های روحی پدید آمده در دنیای اسلام را از بین ببرد (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۷/۲۲). در واقع جریان بیداری اسلامی، یک فرصت - تهدید است. عملکرد دولت‌ها، اندیشمندان و ملل مسلمان و رابطه آگاهانه و معنوی آنها می‌تواند بیداری اسلامی را تبدیل به فرصت می‌کند و در جهت توسعه و تعالی کشورهای اسلامی و قطع ایادی استکبار به کار رود و یا به دلیل اختلافات داخلی و بین دولت‌های اسلامی و شکل‌گیری جریان‌های تروریستی افراطی - تکفیری می‌تواند مبدل به یک تهدید بلکه مانع گردد.

۵.۲. ایجاد بحران

ایجاد بحران یکی از مقاصد مهم اعمال تروریستی است. براندازی یک حکومت، حذف یک رقیب داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، ایجاد اضطراب، نگرانی و بی‌اعتمادی در سطح جامعه مدنی و ایجاد انزوا و بی‌تفاوتی نسبت به سرنوشت یک جامعه و دولت و ایجاد بدبینی و مقابله با نظام حاکم می‌توانند از زمینه‌های شکل‌گیری تروریسم باشند. بمب‌گذاری در اماکن مقدس و مراکز اجتماع مردم از این زاویه قابل تحلیل هستند. واقعه شهدای هفتم تیر و ترور مدیران برجسته‌ی مثل شهید بهشتی، تعداد قابل توجهی از وزرای کارآمد، نمایندگان مجلس، فعالان سیاسی و انقلابی به قصد ایجاد وحشت و اضطراب در میان مردم (خامنه‌ای، ۱۳۷۳/۰۴/۲۹) و ایجاد بحران در جامعه (خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۰۴/۶) صورت گیرد. بحران آفرینی در جامعه و چالش کشاندن دستگاه حاکم از مقاصد تروریسم است.

۵.۳. تحلیل نادرست

تروریست‌ها با تحلیل نادرست از واقعیت‌های موجود جامعه، اعمال تروریستی را گامی برای کسب قدرت می‌دانند. ارزیابی سازمان تروریستی منافقین از مردم این بود که حضور مردم در جامعه ناآگاهانه و کورکورانه است بنابراین می‌تواند با ترور آنها را از صحنه اجتماعی دور کند (دفتر سیاسی سپاه، ۱۳۶۱: ۲۱) و دستگاه حاکم را دچار تزلزل کند. تروریست‌ها چه افراد و چه سازمان‌ها، تفسیر ذهنی و غیر واقعی از جهان واقعی دارند. ادراکات آنها از محیط اجتماعی و سیاسی محدود است (Crenshaw, 1988). تروریست‌ها و حامیان آنها فاصله شناختی از واقعیت‌های اجتماعی دارند و تصور می‌کنند با اعمال تروریستی می‌توانند واقعیت را تغییر دهند.

۵.۴. ایدئولوژی نظم نوین

نظریه نظم نوین جهانی، از منابع اساسی تروریسم نوین در جهان است. ایده نظم نوین جهانی پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی از جانب آمریکا مطرح شد (خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۴/۲۳). مسئله هویت‌جویی ملت‌ها در مصاف نگرش هویت ستیزانه غرب قرار گرفته است. نامتقارن بودن طرف‌های درگیر به لحاظ قدرت نظامی، رسانه‌ای، اقتصادی، سلطه بین‌المللی و تلاش در جهت تحمیل نظم نوین جهانی به رهبری غرب، باعث شکل‌گیری یک جبهه بزرگ نظم‌گریز به صورت داخلی و بین‌المللی شده است. گفتمان

جهانی شدن به موجه جلوه دادن و مشروعیت بخشیدن به طرح جهانی نولیبرالی و تحکیم سرمایه‌داری انگلیسی - آمریکای در مناطق اقتصادی عمده دنیا کمک کرده است (هلد و مک گرو، ۱۳۸۲: ۵)، رادکالیزه شدن جوامع از نتایج آن است. امروز مهمترین منبع تروریسم در قالب نظریه برخورد تمدن‌های ساموئیل هانتینگتون و طرح تمایزات فرهنگی و مذهبی بین تمدن‌ها است در حالی که در گذشته بیشتر سیاسی بود. برخورد تمدن‌ها وابسته به جنگ ایده‌ها است. ایده امکان برخورد ایدئولوژی غرب و جهان اسلام باعث شکل‌گیری افراطی‌گری در غرب و جهان اسلام شده است. برخورد تمدن‌ها و جنگ ایده‌ها در مفهوم نظم نوین جهان خود را نشان می‌دهند (Huntington, 1996). در واقع یکی از منابع اصلی تروریسم نوین، نظریه نظم نوین جهانی و تلاش در جهت تغییر حاکمیت‌های محلی و ملی است. ده‌ها گروه و سازمان تروریستی در جهان اسلام و سایر نقاط جهان با حمایت غرب شکل گرفته تا بتوانند حاکمیت‌های ملی و محلی را تحت فشار قرار دهند و برای حل مسائل خود، رهبری غرب را بپذیرند. حال در مقابل همین گروه‌ها و سازمان‌ها، صدها سازمان دیگر با حمایت دولت‌های مختلف جهت مقابله با این نگرش شکل گرفته است. نظم جهانی و نظم داخلی کشورها هر دو در معرض تهدید و خطر قرار گرفته است. هر چه این سازمان‌ها رنگ و بوی مذهب می‌گیرند، نظم گریز تر هم می‌شوند. امروز مسئله تروریسم بین‌المللی شده است. کشورهای آمریکای شمالی، جنوبی، اروپا، خاورمیانه، جنوب آسیا و آفریقا محل استقرار تروریست‌ها هستند. تنفر از سلطه اقتصادی جهانی مبتنی بر نظم نوین جهانی، باعث شده یک جریان تروریستی فرا منطقه‌ای شکل گیرد. کشورهایی که نفرت بیشتری به سلطه اقتصادی جهانی دارند، گروه‌های تروریستی بیشتری در خود پرورش می‌دهند.

۵.۵. اسلام ستیزی و اسلام هراسی

جنگ صلیبی عنوان نمودن منازعات منطقه خاورمیانه در دهه ۱۹۹۰ از جورج بوش رئیس جمهور آمریکا (باقری، ۱۳۸۸: ۳۲-۴۰)، این نزاع‌ها را به مرحله ایدئولوژیک بالا برد. تبلیغات رسانه‌های استکباری به طور دائم و به شکل‌های موبدیان در سرتاسر دنیا علیه اسلام نشان از این مسئله دارد. ساختن فیلم، بازی‌های رایانه‌ای، تبلیغات، نوشتن مقالات، اتهام جنگ، ترور و خشونت سعی در ایجاد تنفر افکار عمومی دنیا علیه اسلام و مسلمانان (خامنه‌ای، ۱۳۸۲ / ۰۵ / ۰۸) و حکایت از رویکرد اسلام ستیزی غرب دارند. ترویج جنگ‌های صلیبی، منحصر در رویارویی جهان مسیحیت و اسلام نمی‌ماند، براساس نظریه یادگیری اجتماعی، رفتار پرخاشگرانه که ترور هم یکی از رفتارهای پرخاشگرانه است، صرفاً از رفتار پرخاشگرانه طرف مقابل یا ناامیدی یک گروه ناشی نمی‌شود، بلکه محیط پرخاشگرانه، افراد و گروه‌های پرخاشگر را تربیت می‌کند و پرخاشگری همه‌گیر می‌گردد. اگر پرخاشگری به‌عنوان یک رفتار قابل یادگیری است، پس تروریسم هم به‌عنوان نوع خاصی از رفتار پرخاشگرانه قابل یادگیری است (Oots&Wiegele, 1985). بسیاری از گروه‌های تروریستی که علیه جمهوری اسلامی یا جهان اسلام پرورش یافته‌اند، امروز پای خود غرب را هم فراگرفته است. نه تنها از طریق گروه‌های تروریستی تربیت شده بلکه از طریق ده‌ها گروه دیگر از این گروه‌ها الگو برداری می‌کنند.

۵.۶. جنگ نیابتی

تولید، ترویج و حمایت از تروریسم برای بازگرداندن منافع از دست رفته است (خامنه‌ای، ۱۳۷۳/۱۱/۱۴). تروریسم در منطقه خاورمیانه، جنگ نیابتی برای تأمین منافع و پرکردن جیب کمپانی‌های اسلحه‌سازی است. این سیاست استعماری در سایه حمایت آمریکا از تأمین امنیت منطقه مانند سوریه، عراق، یمن، بحرین، فلسطین و سایر کشورهای اسلامی صورت می‌گیرد (خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۰۲/۲۶). سیاست استعمار فرا نو در ذیل ادعاهای اخلاقی و سیاسی در حال رشد و گسترش است.

۵.۷. انتقام جویی

یکی از زمینه‌های شکل‌گیری جریان‌های تروریستی ظلم واقعی یا احساس ظلم یا احساس محرومیت نسبی یک گروه سیاسی، مذهبی یا قومی در یک جامعه است. ناراحتی‌های تاریخی اقوام و گروه‌های سیاسی و مذهبی، احساس ناعدالتی و تبعیض بین قوم حاکم و قوم محکوم، قوم اقلیت و قوم اکثریت از زمینه‌های مهم شکل‌گیری تروریسم در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی است. ظهور تروریسم به شکل‌های ایدئولوژیک، مذهبی، قومی، سیاسی و جغرافیایی در کشورهای اسلامی ناشی از شیوه‌های نظام استکبار برای تضعیف، ایجاد بحران و براندازی این نظام‌ها است (خامنه‌ای، ۰۴ / ۰۱ / ۱۳۷۵). عملکرد دولت‌ها در رادکالیزه شدن گروه‌ها مؤثر است. خشونت دولت و بی‌توجهی به حقوق اساسی و آزادی‌های مدنی افراد و گروه‌های تندرو، آنها را در مسیر تبدیل به جریانات تروریستی قرار می‌دهد. حملات تروریستی چپنی‌ها علیه روسی‌ها ناشی از تجاوزات روسیه به چین بوده یا فلسطینی‌ها علیه اسرائیلی‌ها از مظالم چندین ساله صهیونیست‌ها است. در واقع یک نوع انتقام‌جویی است. از دیدگاه بسیاری از محققان بین محرومیت و تروریسم ارتباط قوی وجود دارد. به خصوص در صورتی که عامل محرومیت دولت یا یک گروه دیگر تصور شود. تروریسم ابزاری در دست تروریست‌ها برای ابراز هویت خود در برابر جریان حاکم و تولد دوباره یک گروه است. از این جهت، تروریسم سلاح مظلوم در برابر ظالم است. از این زاویه، هدف مهم تروریسم، فشار آوردن به قدرت قوی در سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی است. بر اساس رویکرد ناامیدی - پرخاشگری^۱، پرخاشگری همیشه معلول ناامیدی است (Broum, 2004). هنگامی که فردی یا گروهی از همه جا و از همه کس قطع امید کرد و از همه جا برید، اقدام به هر کاری می‌کند. البته از یک زاویه دیگر، عمل مظلوم در برابر ظالم ترور محسوب نمی‌شود، بلکه مظلوم از حق خود دفاع می‌کند و حمایت از مظلوم، حمایت از تروریست و تروریسم نیست بلکه حمایت از حق مظلوم است. «ما هر مقداری که بتوانیم از مظلوم حمایت می‌کنیم و هر مقداری که توانایی‌های ما و وسع ما باشد وظیفه‌ی ما است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۴/۲۶). بنابراین آن‌جایی که مظلوم برای احقاق حق تضییع شده خود، اقدامی می‌کند نمی‌توان در ذیل تروریسم قرار داد.

ملاک یک عمل تروریستی و تفاوت آن را با جنگ، بمب باران‌های هوایی، زمینی، دریایی و حمله یک کشور به یک کشور دیگر و دعوا و منازعات بین الاشخاص می‌توان با توجه به نگرش ذاتگرایانه رهبری به تروریسم مورد بحث و بررسی قرار داد.

نتیجه گیری

تروریسم با حقوق بشر به‌ویژه با حق حیات، آزادی و تمامیت ارضی یک کشور در تضاد است. اعمال تروریستی، حاکمیت‌ها را بی‌ثبات، جامعه مدنی را سست، صلح، امنیت، توسعه اقتصادی و اجتماعی را تهدید کند. همه این‌ها حقوق بشر را به خطر می‌اندازند. تروریسم ارتکاب یک عمل مجرمانه خشونت آمیز علیه افراد غیرنظامی با قصد قبلی و با انگیزه قومی، نژادی، تاریخی، سیاسی و مذهبی است. بنابراین اساساً ترور یا تروریسم خشونت و تهدید علیه جامعه مدنی و زیر ساخت‌های آن است. هر خشونت‌تی ترور نیست ولی هر تروری خشونت است. برای تشخیص یک عمل تروریستی از سایر خشونت‌ها با توجه به مباحث مقاله و دیدگاه‌های آیت الله خامنه‌ای می‌توان هشت ملاک را مطرح کرد:

۱. **قربانیان تروریسم:** قربانیان عملیات‌های تروریستی، غیر نظامیان^۱، شهروندان، مردم بی‌سلاح و مردم عادی یا نظامیان خارج از وظایف نظامی خود حتی با یونیفورم نظامی هستند. تروریست‌ها به کسانی حمله می‌کنند که توانایی دفاع از خود را ندارند. بنابراین حمله به نظامیان خارج از وظیفه نظامی و فاقد سلاح یک عمل تروریستی است.

۲. **حوزه تخریب تروریسم:** زیرساخت‌های مدنی، محور تخریب اعمال تروریستی هستند. مراکز مدنی مانند مراکز بهداشت و درمان، مراکز تعلیم و تربیت، سینماها، پارک‌ها و مراکز تفریحی و توریستی، منازل مسکونی مردم، نهاد دولت، مجلس، مراکز تجاری، محل اجتماع مردم و نظایر این‌ها، هدف تروریسم هستند.

۳. **جغرافیای تروریسم:** جغرافیای خشونت در جنگ بین دو کشور، مرزهای جغرافیایی، در جنگ‌های داخلی محلات و مناطق است. تروریسم جغرافیای مشخصی ندارد. خشونت علیه شهروندان بی‌دفاع و مراکز مدنی، بی‌مکان و بی‌زمان هستند.

۴. **ناشناخته بودن تروریسم:** تروریسم در باطن یک عملیات سازمان یافته با اهداف مشخص و در ظاهر عاملان، ابزارها، زمان و مکان و چگونگی انجام آن برای قربانیان و دیگران ناشناخته و نامعلوم است. به همین دلیل گروه‌های تروریستی، عملیات تروریستی را خود به عهده می‌گیرند. داعش با صدور بیانیه‌ای به بمباران کربلا با استفاده از موشک‌های گراد، حملات مشابه در «بصره» و تلاش برای ترور «کاظم الشمیری» از نمایندگان پارلمان عراق و ترور برخی از رهبران ارتش «المهدی»، شاخه نظامی جریان «صدر» عراق اعتراف می‌کند (پیام آفتاب، ۱۳۹۲). تروریست‌ها با قبول مسئولیت عملیات تروریستی قصد ترویج و معرفی مواضع عقیدتی، سیاسی و ملی خود را دارند (حاجیان و

- ضمیری، ۱۳۸۹: ۴۹). قبول مسئولیت اعمال تروریستی تأثیر زیادی در جذب مخاطب و همسوسازی مردم با آنها علیه حاکمیت موجود خواهد داشت.
۵. **قصد قبلی^۱ در تروریسم:** تروریست‌ها، قصد قلبی و تصمیم پیشین برای انجام عمل تروریستی دارند. ترور، کنش حاصل از خط مشی و تصمیم بعضی افراد، گروه‌ها و دولت‌ها است.
۶. **انگیزه:** انگیزه‌های سیاسی^۲، اقتصادی، تاریخی، قومی و مذهبی و ده‌ها انگیزه دیگر در وقوع یک حادثه تروریستی، ممکن است دخالت داشته باشند.
۷. **عاملان ترور:** معاملان ترور، ممکن است، افراد و گروه‌های ناشناخته داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی باشند. این عنصر تروریسم را از جنگ متمایز می‌کند. نیروهای نظامی با یونیفورم و سایر مشخصات معین در مقابل هم قرار می‌گیرند.
۸. **خشونت:** دو تن از محققان هلندی، اشمیت و جانگمن (۱۹۸۸) بیش از صد تعریف علمی تروریسم را بررسی، خشونت و عاملیت ارباب علیه شهروندان و افراد غیرنظامی را از عناصر اصلی آن ارزیابی کرده‌اند. مرار (۱۹۹۳)، یکی از مولفه‌های مشترک بین همه تعاریف تروریسم را، بکارگیری خشونت و ایجاد ترس در مقیاس ملی، می‌داند.
- نکته بسیار مهم این‌که در ادبیات آیت الله خامنه‌ای تروریسم مدرن و جاهلیت مدرن نسبت تنگاتنگی با هم دارند. تروریسم مدرن با توجه به بکارگیری انواع سلاح‌های مدرن در کشتار شهروندان و تخریب زیرساخت‌های جامعه مدنی نشان از قساوت و سنگدلی و خواسته‌ها و تمایلات تروریست‌ها و حامیان آنها دارد. تفسیر دلخواهانه غربی‌ها از تروریسم و تفسیر خوب و بد آن نشان می‌دهد که یک رویکرد نسبی‌گرایانه شدید فرهنگی، جغرافیایی و ایدئولوژیکی بر جهان حاکم است. حقانیت، ملاک عمل نیست. از نگاه حق‌گرای، تروریسم ذات واحد دارد و از یک حقیقت واحد، حکایت دارد و از نگاه جاهلیت، تروریسم یک امر ایدئولوژیک و نسبی و از ذات‌های متعدد حکایت دارد.

منابع

- قرآن کریم
- حاجبانی، ابراهیم و ضمیری، عبدالحسین (۱۳۸۹)، پژوهش‌ها و مطالعات تروریسم، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام — گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی.
- خامنه‌ای (آیت الله)، سید علی (۳۷ / ۰۷ / ۱۳۷۰)، سخنرانی معظم له در دیدار با شرکت‌کنندگان در کنفرانس بین‌المللی حمایت از انقلاب اسلامی مردم فلسطین، تهران.
- خامنه‌ای (آیت الله)، سید علی (۱۳۷۰/۱۱/۳۰)، سخنرانی معظم له در صحن مطهر حضرت معصومه(س)، قم.

- خامنه‌ای (آیت الله)، سید علی (۱۳۷۲ / ۰۳ / ۰۶)، پیام معظم له به حجاج بیت الله الحرام.
- خامنه‌ای (آیت الله)، سید علی (۱۳۷۶ / ۱۰ / ۲۶)، خطبه‌های نماز جمعه معظم له، تهران.
- خامنه‌ای (آیت الله)، سید علی (۱۳۷۳ / ۰۴ / ۲۹)، بیانات معظم له در دیدار جمعی از اعضای «نیروی انتظامی»، «سازمان تأمین اجتماعی»، «سازمان بهزیستی» و اساتید، تهران.
- خامنه‌ای (آیت الله)، سید علی (۱۳۷۳ / ۱۱ / ۱۴)، خطبه‌های نماز جمعه معظم له، تهران.
- خامنه‌ای (آیت الله)، سید علی (۱۳۷۵ / ۰۱ / ۰۴)، بیانات معظم له در جمع مردم مشهد و زائران حضرت علی بن موسی الرضا(ع)، مشهد.
- خامنه‌ای (آیت الله)، سید علی (۱۳۸۰ / ۰۵ / ۰۱)، بیانات رهبر معظم له در دیدار اصحاب فرهنگ و هنر، تهران.
- خامنه‌ای (آیت الله)، سید علی (۱۳۸۰ / ۱۲ / ۲۷)، بیانات رهبر معظم له در دیدار مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، تهران.
- خامنه‌ای (آیت الله)، سید علی (۱۳۸۰ / ۰۹ / ۱۶)، بیانات رهبر معظم له در خطبه‌های نماز جمعه ۲۱ رمضان، تهران.
- خامنه‌ای (آیت الله)، سید علی (۱۳۸۰ / ۰۷ / ۰۴)، بیانات معظم له در دیدار خانواده‌های شهدای نیروهای مسلح، تهران.
- خامنه‌ای (آیت الله)، سید علی (۱۳۸۲ / ۰۵ / ۰۸)، بیانات معظم له در دیدار جوانان اهواز، اهواز.
- خامنه‌ای (آیت الله)، سید علی (۱۳۹۴ / ۰۲ / ۲۶)، بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی به مناسبت سالروز بعثت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)، تهران.
- خامنه‌ای (آیت الله)، سید علی (۱۳۸۲ / ۰۳ / ۱۴)، بیانات معظم له در چهاردهمین سالگرد رحلت بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی(ره)، تهران.
- خامنه‌ای (آیت الله)، سید علی (۱۳۹۴ / ۲ / ۲۶)، سخنرانی معظم له در دیدار مسئولان نظام با عنوان سیاست خباث‌آلود استکبار در منطقه ایجاد جنگ‌های نیابتی است / خلیج فارس ناامن برای همه ناامن خواهد بود، تهران.
- خامنه‌ای (آیت الله)، سید علی (۱۳۹۲ / ۱۱ / ۲۸)، بیانات معظم له در دیدار مردم آذربایجان، تهران.
- خامنه‌ای (آیت الله)، سید علی (۱۳۹۱ / ۶ / ۹)، سخنرانی معظم له در شانزدهمین اجلاس سران جنبش عدم تعهد، تهران.
- خامنه‌ای (آیت الله)، سید علی (۱۳۹۴ / ۰۴ / ۰۶)، سخنرانی معظم له در دیدار خانواده‌های شهدای هفتم تیر و جمعی از خانواده‌های شهدای استان تهران، تهران.
- خامنه‌ای (آیت الله)، سید علی (۱۳۸۹ / ۴ / ۱۹)، سخنرانی معظم له در دیدار مسئولان نظام در روز عید مبعث، تهران.
- خامنه‌ای (آیت الله)، سید علی (۱۳۹۲ / ۷ / ۲۲)، پیام معظم له به مناسبت کنگره عظیم حج، تهران.
- خامنه‌ای (آیت الله)، سید علی (۱۳۸۹ / ۴ / ۲۳)، سخنرانی معظم له در دیدار فرماندهان و اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، تهران.
- خمینی (امام)، روح‌الله (۱۳۹۲)، تقریرات فلسفه: شرح منظومه، دوره سه‌جلدی، محقق سید عبد الغنی اردبیلی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، مؤسسه چاپ و نشر عروج.

- دفتر سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (۱۳۶۱)، تروریسم ضد مردمی: بحثی پیرامون ماهیت و اهداف حرکت مسلحانه منافقین، بی‌جا.
- صفاتاج، مجید (۱۳۸۰)، ماجرای فلسطین و اسرائیل، تهران: دفتر فرهنگ اسلامی، چاپ اول.
- صفا تاج، مجید (سرپرست نویسندگان) (۱۳۹۱)، دانشنامه فلسطین، ۸ جلدی، تهران: انتشارات آرون.
- صفا تاج، مجید (۱۳۸۱)، تروریسم صهیونیستی، تهران: جمعیت دفاع از ملت فلسطین، چاپ اول.
- عبد الهادی، عبد العزیز مخیمر (۱۹۸۶)، الارهاب الدولی، قاهره: دارالنهضة العربیه.
- علی بابایی، غلامرضا (۱۳۶۹)، فرهنگ علوم سیاسی، چاپ دوم، تهران: نشر و پخش ویس.
- هلد، دیوید و مک گرو، آنتونی (۱۳۸۲)، جهانی شدن و مخالفان آن، ترجمه مسعود کرباسیان، چاپ اول، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- پیام آفتاب (۱۳۹۲)، «طالبان» «داعش» و «بوکوحرام»، بزرگترین گروه‌های تروریستی دنیا، تاریخ دریافت ۱۳۹۴/۴/۳۱

<http://www.payam-aftab.com/fa/doc/news/24968>

– <http://khamanei.ir>

– <http://www.leader.ir>

- Barnett, Brooke, & Reynolds, Amy (2009), *Terrorism and the Press: An Uneasy Relationship*. New York: Peter Lang; Hoffman, Bruce (2006) *Inside terrorism* (2nd ed.). Columbia University Press;
- Burgess, Mark (2003), *A Brief History of Terrorism*. Washington, D.C.: Center for Defense Information (CDI); Tuman, Joseph S. (2009). *Communicating Terror: The Rhetorical Dimensions of Terrorism* (2nd ed). Thousand Oaks, CA: Sage.
- Broum, Randy (2004), *Psychology of Terrorism*, Tampa: University of south Florida. Printed in the United States of America
- Crenshaw, Martha (1981), *The Causes of Terrorism*, *Comparative Politics*, 13(4), 379-399.
- Crenshaw, M. (1988), *The Subjective reality of the terrorist: Ideological and psychological factors in Terrorism*. In *Current perspectives in International Terrorism*, edited by R.O. Salter and M. Stohl. Basingstoke, Hampshire: Macmillan
- Ganor, Boaz (2002), *Defining Terrorism: Is One Man's Terrorist Another Man's Freedom Fighter? Police Practice and Research*, 3(4), 287–304.
- Gurr, Nadine, & Cole, Benjamin (2000), *The New Face of Terrorism: Threats from Weapons of Mass Destruction*. London: I.B. Tauris.
- Huntington, Samuel P. (1996), *The Clash of Civilizations and the Remaking of World Order*. New York: Simon & Schuster.
- International Bar Association (2003), *International Terrorism: Legal Challenges and Responses*. Ardsley, NY: Transnational Publishers; Moeller, Susan D. (2002). *A Hierarchy of Innocence: The Media's Use of Children in the Telling of International News*. *The International Journal of Press/Politics*, 7(1), 36–56.
- Merari, Ariel (1993), *Terrorism as a Strategy of Insurgency*. *Terrorism and Political Violence*, 5(4), 213–251.
- Oots, Kent & Thomas Wiegele (1985), "Terrorist and Victim: Psychiatric and Physiological Approaches", *Terrorism: an International Journal* 8(1): 1-32.

- Rapoport, C. David, "Comparing Militant Fundamentalist Movements and Groups", in *Fundamentalisms and the state*, ed. Marten Marty and Scott Appleby (Chicago: University of Chicago Press, 1993), 429-61
- Schmid, Alex, & Jongman, Albert (1988), *Political Terrorism: A New Guide to Actors, Authors, Concepts, Data Bases, Theories, and Literature*. Amsterdam: North Holland, Transaction Books.
- Simon, Jeffrey D. (1994), *The Terrorist Trap*. Bloomington: Indiana University Press.
- White, Jonathan R. (2011), *Terrorism & Homeland Security* (7th ed.). Belmont, CA: Wadsworth.